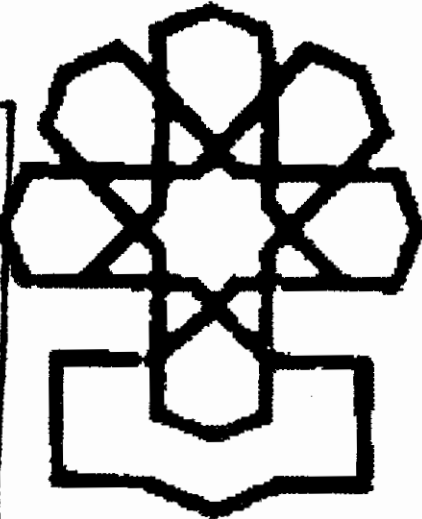


۲۵۲۵



انطباق یا عدم انطباق تبصره ۲۹ (بندهای ب، ه، و، دال، ل، ی و ک) لایحه بودجه ۱۳۸۰ با برنامه سوم

درباره لایحه بودجه ۱۳۸۰ - شماره (۳۰)



کمیسیون شورای اسلامی
شماره
۱۳۲۶۹ :
۳ / ۱ / ۷۹ :
تاریخ:

کدموضوعی: ۱۶۰

شماره مسلسل: ۵۹۲۴

انطباق یا عدم انطباق تبصره ۲۹ (بند های ب، ه، و، دال، ل، ی و ک)
لایحه بودجه ۱۳۸۰ با برنامه سوم

کدموضوعی: ۱۶۰

شماره مسلسل: ۵۹۲۴

بند ب تبصره ۲۹

این تبصره عمدتاً ماهیت ارزی داشته که به جهت نقش اصلی نفت در تأمین منابع ارزی دولت، با مسائل بخش نفت و گاز، پیوند یافته است. به طوری که بند «ب» این تبصره متکی بر درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام و تعیین کننده میزان تعهد یا پرداخت های بانک مرکزی می باشد.

نظر به ایجاد صندوق ذخیره ارزی در قانون برنامه پنج ساله سوم و جلوگیری از تأثیرات منفی نوسانات درآمدهای ارزی کشور، روش کلی بر این است که پیش بینی قیمت نفت خام و درآمدهای حاصل از صدور نفت خام در محدوده ای قابل اطمینان و قابل تحقق قرار گرفته بودجه کشور براساس این سطح تنظیم شود. با این حال در این تبصره در لایحه سال ۱۳۸۰ - صرفاً به مازاد درآمد ارزی سال ۱۳۷۸ اشاره شده و درآمدهای سال های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ و بازپرداخت تعهدات ارزی به میزان ۱/۶ میلیارد دلار در حوزه تعهدات تأمینی توسط شرکت ملی نفت قرار نگرفته است.

گرچه بند ب تبصره ۲۷ لایحه بودجه سال ۱۳۸۰ ظاهراً مغایرتی با برنامه سوم ندارد ولی لازم به توضیح است که براساس سیاست های ارزی سال های قبل و به ویژه برنامه دوم، بازپرداخت دیون و تعهدات تا سقف ۱/۶۰۴ میلیارد دلار اولویت اول تعهدات بانک مرکزی را تشکیل می داد و درآمدی ارزی حاصل از صادرات نفت خام پس از کسر این رقم به مصارف داخلی اختصاص می یافت و بر این اساس تعهدات شرکت ملی نفت در تولید و صادرات نفت خام شامل رقم بازپرداخت تعهدات ارزی و مصارف داخلی می شد. حال آن که در بودجه سال جاری و بودجه سال ۱۳۸۰ تعهدات شرکت نفت در سقف بودجه مصوب.

تنها ناظر بر مصارف داخلی ارزی برای بودجه دولت بوده و بازپرداخت تعهدات بانک مرکزی از اولویت خارج شده و به درآمدهای مازاد ارزی که تحقق آن با تردید و احتمال موجود است، مرتبط گردیده است. شایان ذکر است چنانچه براساس روال لوایح بودجه سنواتی سال‌های گذشته (سال‌های برنامه دوم)، عمل می‌شد شرکت ملی نفت می‌باید حداقل ۱۴/۴۶۴ میلیارد دلار درآمد را از طریق تولید و صادرات نفت خام پس از تأمین مصارف داخلی نفت خام، محقق نماید. بر این اساس با احتساب قیمت ۱۶ دلار، حجم صادرات به رقم ۲/۴۷۶ میلیون بشکه در روز می‌رسد که با انضمام خوراک پالایشگاه‌های داخلی به میزان ۱/۶۰۰ میلیون بشکه در روز، تولید نفت خام می‌باید به ۴/۰۷ میلیون بشکه در روز برسد برای چنین تولیدی لازم است ۴/۵۰۰ میلیون بشکه در روز ظرفیت تولید وجود داشته باشد. رقم فوق به هیچ وجه با ظرفیت موجود تولید نفت کشور تطبیق نمی‌یابد. به نظر می‌رسد که در تأمین نیازهای ارزی کشور، در برنامه سوم به جای پرداختن به تولید و صادرات نفت که مسئولیت اصلی وزارت نفت است، عمدتاً چشم به قیمت دوخته و از سیاست صندوق ذخیره ارزی و کاربرد حداقل قیمت مطمئن نفت در تنظیم بودجه، برداشت دیگری به عمل آمده و این امر به صورت عاملی جهت کاهش تعهدات شرکت ملی نفت نسبت به دولت در امر تولید و صادرات نفت در برنامه سوم نسبت به برنامه دوم به کار گرفته شده است. از سوی دیگر با حاشیه راندن و اولویت ندادن به بازپرداخت تعهدات ارزی که در سال‌های برنامه سوم مکرراً بر آن تأکید می‌شد، تفاوت فاحش دیگری در سیاست‌های ارزی کشور در لوایح بودجه‌ای برنامه سوم نسبت به لوایح بودجه‌ای برنامه دوم، نیز مشاهده می‌گردد، که نیازمند ارائه توجیه می‌باشد.

بند ۵ و بند ل قسمت ۲

براساس این بند مجوزهای مصوب و قانونی در بسیاری از اجزا، تبصره ۲۹ قوانین بودجه سال‌های ۱۳۷۷ الی ۱۳۷۹ برای باقی‌مانده سقف تسهیلات خارجی در سال ۱۳۸۰، درخواست شده است که همچنان به قوت خود باقی بماند و همچنین براساس بند ل قسمت دوم تبصره فوق «اجازه استفاده از باقیمانده تسهیلات به روش بیع متقابل تبصره ۲۹ قوانین

بودجه سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ با شرایط مصوب نیز در سال ۱۳۸۰ خواسته شده که به قدرت خود باقی بماند.

با توجه به حجم این تسهیلات که عمدتاً طی لوایح بودجه‌ای سالیانه از طرف دولت مطرح و با کسب مجوز مجلس، اقدام گردیده است. اکنون ادامه این روند که خود نیازمند بازنگری و تدقیق در عملکرد این تبصره‌ها و ارزیابی و کارآمدی اقتصادی - فنی آن می‌باشد، در بندی تبصره ۲۹ سال ۱۳۸۰ به صورت موضوعی و بدون سقف تعهدات و طرح‌ها، تداوم یافته است.

در مورد بند تبصره ۲۹، ضروری به نظر می‌رسد که گزارش عملکردی شفاف و قانع‌کننده‌ای می‌باید توسط دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور برای نمایندگان محترم مجلس به طور مکتوب ارائه شود. بدیهی است پس از ارائه این عملکرد و بررسی کارشناسی و ارزیابی می‌توان در مورد تداوم این سیاست تصمیم گرفت.

بند و

نظر به این که صادرات فرآورده‌های نفتی، با حدود ۳-۲/۸ میلیارد دلار، نقش برجسته‌ای در درآمدهای مستقیم شرکت ملی نفت و شرکت تابعه پالایش و پخش دارد و از طرف دیگر محدودیتی بر نفت خام تخصیص یافته برای خوراک پالایشگاه‌های داخلی کشور وجود ندارد و طی سال‌های متوالی مشاهده گردیده که تولید پالایشگاه‌ها بسیار فراتر از ظرفیت‌های متعارف و توان پالایشی بر مبنای اقتصاد مهندسی پالایش بوده، لذا این بند همواره در لوایح بودجه سالیان اخیر، درج گردیده است. منتهای مراتب اطلاعات لازم جهت ارزیابی کارشناسی عملکرد سیستم پالایشی کشور و وزارت نفت نسبت به این بند، به علت در دست نداشتن اطلاعات و محرمانه اعلام نمودن آن تاکنون میسر نگردیده است.

بندی

بر اساس این بند موضوعات متعددی تحت عناوین کلی بهینه‌سازی مصرف انرژی، استفاده از گاز طبیعی فشرده در خودروها (C.N.G)، سرمایه‌گذاری در تولید و صادرات گاز طبیعی به

اشکال مایع (LNG) و نیز سرمایه گذاری در تولید و صادرات فرآورده‌های نفتی حاصل از گاز (GTL) مطرح گردیده و اجازه خواسته شده است که شرکت ملی نفت ایران با استفاده از منابع خارجی (بیع متقابل) نسبت به احداث خطوط، شبکه‌ها و سایر تأسیسات لازم اقدام نماید و تعهدات مربوطه را از محل درآمد اجرای طرح‌های فوق‌الذکر یا موارد مذکور در بند «الف» ماده ۱۲۰ قانون برنامه سوم بازپرداخت کند.

خاطر نشان می‌سازد بند «الف» ماده ۱۲۰ قانون برنامه سوم به این صورت است:

«درآمدهای حاصل از صادرات فرآورده‌های نفتی، گاز و میعانات گازی و برق را حسب مورد به عنوان درآمد شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز ایران و شرکت توانیر تلقی نموده و به مصرف ارزی هزینه عملیات جاری (شامل واردات فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی) و اجرای طرح‌های سرمایه‌ای مصوب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.»

صرفنظر از ماهیت نامشخص فنی و اقتصادی طرح‌های سرمایه‌بر تولید LNG و GTL، تصویب این تبصره از طرف مجلس از نظر قانونی، شرکت ملی نفت را مجاز می‌سازد که به هر طریق از رقم هنگفت درآمدهای ارزی صادرات فرآورده که به حدود ۳-۲/۸ میلیارد دلار در سال می‌رسد و عمدتاً حاصل بخشی از ثروت ملی تجدیدنپذیر ذخایر نفت خام کشور است، مبالغ متناهی را جهت هزینه‌های سرمایه‌ای طرح‌هایی با هزینه‌های میلیارد دلاری و توجیهات ناکافی فنی - اقتصادی نظیر GTL، LNG و CNG صرف نماید. این ویژگی عملاً اجرای این‌گونه طرح‌ها را در چارچوب قراردادهای بیع متقابل قرار نمی‌دهد زیرا بازپرداخت براساس تبصره پیشنهادی به نوعی مرتبط با بند «الف» ماده ۱۲۰ قانون برنامه سوم (صادرات فرآورده) شده است. این موضوع خود به خوبی عدم اعتماد به بازپرداخت اقتصادی طرح‌های موصوف از محل محصولات همان طرح‌ها را نشان می‌دهد.

در مورد طرح بهینه‌سازی مصرف و چگونگی ارتباط آن با استفاده از منابع خارجی (به شیوه بیع متقابل) نیز ابهامات فراوانی وجود دارد و همچنین عنوان کلی توسعه استفاده از گاز طبیعی در صنایع، شهرها و مناطق روستایی صرفاً یک عنوان عام در حوزه مسئولیت‌های شرکت ملی گاز ایران می‌باشد و در این تبصره مرزبندی مشخصی فی‌مابین طرح‌های گازرسانی شرکت ملی گاز در سطح کشور با آنچه که در این تبصره تحت عنوان طرح

مشخصی می‌باید تعریف و تعیین شده باشد وجود ندارد. در یک جمع‌بندی کلی مفاد این بند از جامعیت و شفافیت و حداقل عناصر لازم برای بررسی، ارزیابی و تصویب توسط مجلس برخوردار نیست.

بندک

براساس این بند به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود، در «توسعه میدان نفتی آزادگان، تعهدات ایجاد شده را در قالب قرارداد بیع متقابل تا سقف ۲/۸ میلیارد دلار از محل حداکثر تا ۵۰ درصد تولیدات روزانه همان میدان در دوران بازپرداخت تعهد و پرداخت نماید».

در مورد میدان آزادگان خاطر نشان می‌سازد که عملیات اکتشاف آن از سال‌های قبل از انقلاب اسلامی آغاز گردیده است. براساس اجرای عملیات لرزه‌نگاری در سال‌های دهه ۱۳۵۰ شکل طاقدیس آزادگان (نیرکبیر سابق) مشخص گردیده بود. در سال ۱۳۵۹ محل حفر اولین چاه اکتشافی این طاقدیس مشخص و حفاری آن توسط شرکت ملی حفاری آغاز گردید. با شروع جنگ تحمیلی به دلیل نزدیکی به مرز در همان روزهای اولیه جنگ این دکل به همراه ۷ دکل حفاری دیگر شرکت ملی حفاری که در نقاط مرزی مشغول حفاری بودند توسط نیروهای دشمن یعنی ضبط و به داخل خاک عراق برده شد و چاه نیمه حفاری شده معلق ماند.

پس از اتمام جنگ تحمیلی ادامه حفاری اکتشافی در این میدان همیشه از اولویت‌های اساسی مدیریت اکتشاف بود که متأسفانه به دلیل وجود مین‌گذاری وسیع منطقه، امکان شروع عملیات حفاری میسر نگردید. بالاخره در سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ عملیات جمع‌آوری مین‌ها تکمیل و ادامه و اجرای عملیات حفاری اکتشافی امکان‌پذیر گردید که خوشبختانه با حفر اولین چاه اکتشافی، منابع عظیم نفت در این میدان کشف گردید.

بررسی اکتشافی و زمین‌شناسی مبین آن است که ذخایر این میدان قطعیت نیافته و احتمالات فراوانی در تغییر ابعاد این میدان وجود دارد که نیازمند حفاری‌های توصیفی می‌باشد، براین اساس بدون شناسایی کامل این میدان، برآورد انجام شده در مورد سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز این طرح، با تردید جدی رو به رو است به طوری که رقم

پیش‌بینی شده تا چند برابر رقم اعلام شده در این تبصره ممکن است افزایش یابد. صرف‌نظر از عدم قطعیت در مورد این میدان و سرمایه‌گذاری مورد نیاز که از طریق یک مشاور در دست بررسی است اصولاً تعمیم و استفاده از قرارداد بیع متقابل در مورد این میدان داخل خشکی در مقطع فعلی با اطلاعات موجود و با این تعجیل توجیه‌پذیر به نظر نمی‌رسد. در مجموع بدون در دست داشتن سیاست برنامه‌ای تولید نفت کشور، انعقاد چنین قراردادهایی با حجم وسیع سرمایه‌گذاری مورد نیاز، نیازمند دقت و بازنگری اساسی در مکانیسم‌های اجرایی تأمین منابع خارجی در بخش نفت است.

ضمیمه ۱

متن بند دال تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۷

۱- وزارت نفت مکلف است گزارش ماهانه تولید و فروش نفت خام و فراورده‌های نفتی، میعانات گازی و درآمد ارزی حاصله را برای حصول به مبلغ ۱۷,۶۱۸,۷۰۰ هزار دلار «شامل ۱۵,۴۸۹,۷۰۰ هزار دلار صادرات نفت خام، ۱,۶۲۳ میلیون دلار صادرات فراورده‌های نفتی و میعانات گازی و ۵۰۶ میلیون دلار صادرات نفت خام مازاد بر ۲۴۲۵ هزار بشکه در روز برای بهره‌برداری مناسب از پالایشگاه‌های داخلی» درآمد ارزی ناشی از صدور نفت همراه با پیش‌بینی تولید و صدور نفت برای ماه بعد تا دهم‌ماه مذکور تهیه و به‌سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی و کمیسیون‌های امور نفت، امور برنامه و بودجه و تعاون و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

۲- اعتبار ردیف‌های ۲۲۰۰۰۱ و ۲۲۰۵۰۴ منظور در قسمت چهارم این قانون تا معادل هم‌ارز ریالی مبلغ نه‌صد و هشتاد و پنج میلیون «۹۸۵.۰۰۰.۰۰۰» دلار درآمد حاصل از صادرات فراورده‌های نفتی و میعانات گازی، نفت خام مازاد بر ۲۴۲۵ هزار بشکه در روز در جهت واردات فراورده‌های نفتی و گاز مورد نیاز و انتقال آن به مبادی نهایی ورودی کشور و همچنین مصارف ارزی کالا و خدمات صنعتی عملیات جاری در اختیار شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز ایران قرار خواهد گرفت.

به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود در صورت تأمین نیاز مصرفی داخلی فرآورده‌های نفتی در کشور. با اولویت مناطق سردسیر از محل صرفه‌جویی اعتبار ردیف مذکور، کمبود اعتبارات طرح‌های عمرانی منظور در پیوست شماره ۱ این قانون را تأمین و به مصرف برساند. تا معادل وجوه مصرف شده از محل اعتبار ردیف یاد شده برای اجرای طرح‌های عمرانی مذکور، از رقم اعتبار جاری ردیف‌های ۲۲۰۵۰۴ و ۲۲۰۰۰۱ کسر و به مبلغ اعتبارات مصوب این طرح‌های عمرانی اضافه شود.

شرکت ملی نفت ایران موظف است هر سه ماه یکبار، عملکرد این بند را به منظور اصلاح ردیف‌های اعتباری مربوط، به وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه و کمیسیون‌های امور برنامه و بودجه، امور اقتصادی و دارایی و تعاون و امور نفت مجلس شورای اسلامی اعلام نماید.

۳- وجوه حاصل از صادرات فرآورده‌های نفتی و میعانات گازی نفت خام مازاد بر ۲۴۲۵ هزار بشکه در روز نسبت به مازاد مبلغ هشتاد و دو میلیون هشتاد و سه هزار و سیصد و سی و سه «۸۲,۰۸۳,۳۳۳» دلار در ماه به نسبت هشتاد و نیم درصد «۸۰/۵ درصد» سهم شرکت ملی نفت ایران و نوزدهم و نیم درصد «۱۹/۵ درصد» سهم شرکت ملی گاز ایران تا سقف مبلغ دو میلیارد و دو میلیون «۲,۰۰۲,۰۰۰» ریال به ترتیب از محل اعتبار ردیف‌های ۵۰۳۲۵۰ و ۵۰۳۲۵۲ منظور در قسمت چهارم این قانون برای اجرای عملیات جاری و طرح‌های عمرانی منظور در پیوست شماره ۱ این قانون در اختیار شرکت‌های ملی نفت ایران و ملی گاز ایران قرار خواهد گرفت.

۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است درآمد ارزی حاصل از فروش فرآورده‌های نفتی و میعانات گازی نفت خام مازاد بر ۲۴۲۵ هزار بشکه در روز موضوع ردیف درآمدی شماره ۲۱۰۱۰۳ را در حساب جداگانه‌ای نگهداری و پس از دریافت هم ارز ریالی آن برای مصارف شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز ایران به حساب ارزی شرکت مذکور واریز نماید. در صورت عدم تحقق صادرات نفت خام مازاد بر ۲۴۲۵ هزار بشکه در روز در مقاطع سه‌ماهه، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز می‌باشد به‌طور علی‌الرأس، مازاد ارز پرداختی را از محل دیگر حساب‌ها و سرمایه‌های ارزی

شرکت ملی نفت ایران برداشت نماید.

۵- در صورتی که شرکت ملی نفت ایران برحسب ضرورت تمام یا قسمتی از فرآورده‌های نفتی مازاد و میعانات گازی صادره مندرج در بند ۲ این تبصره را به جای فروش در خارج معاوضه نماید موظف است مقدار فرآورده‌های معاوضه شده را در پایان هر ماه به خزانه اعلام نماید تا معادل مبلغ فرآورده‌های مذکور از یک طرف به حساب درآمد عمومی کشور موضوع ردیف ۲۱۰۱۰۳ قسمت سوم این قانون و از طرف دیگر به حساب پرداخت بابت اعتبار ردیف ۲۲۰۰۰۱ قسمت چهارم این قانون منظور گردد.

۶- وزارت نفت مکلف است در سال ۱۳۷۷ بنا به تقاضای متقاضیان داخلی که دارای توان کافی مالی بوده و تقاضای آنها از نظر مالی توجیه داشته باشد، مجوز احداث پالایشگاه را طبق قرارداد تنظیمی مبنی بر تحویل نفت خام و خرید فرآورده‌های آن به قیمت‌های بین‌المللی در صورت نیاز صادر نماید.

نفت خام با قیمت بین‌المللی به این نوع پالایشگاه‌ها تحویل و فرآورده آنها نیز صورت نیاز، با قیمت بین‌المللی خریداری می‌گردد.

۷- وزارت نفت و تمام شرکت‌ها، سازمان‌های تابعه آن و همچنین تمام شرکت‌ها و مؤسسات موضوع ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور و مؤسسات عمومی غیردولتی و همچنین تمام واردکنندگان که از منابع بودجه عمومی استفاده می‌نمایند و صادرکنندگان و دستگاه‌های اجرایی مشمول این تبصره مکلف‌اند تمام عملیات و معاملات ارزی ناشی از صادرات و واردات کالاها و خدمات از جمله دریافت‌ها و پرداخت‌های خود را فقط از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یا بانک‌های مجاز با تشخیص بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران انجام دهند.

ضمیمه ۲

اجزای ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ بند ل تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۸

۲- مبلغ پنج میلیارد و چهار صد میلیون (۵,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار برای اجرای طرح‌های توسعه میادین نفت و سایر طرح‌های موضوع جدول شماره (۳) این قانون به روش بیع

مقابل استفاده نماید. طرح‌های موضوع این جزء قابل تبدیل به فاینانس نمی‌باشند. اجازه استفاده از باقی‌مانده تسهیلات اجازه داده شده در تبصره (۲۹) سال ۱۳۷۷ در سال ۱۳۷۸ به قوت خود باقی است.

شرکت ملی نفت ایران مکلف است جریان بازپرداخت طرح‌هایی را که از این محل اجرا می‌کند به نحوی تنظیم نماید که حداقل چهل درصد (۴۰٪) عواید طرح در دوره بازپرداخت به حساب درآمد عمومی کشور واریز گردد.

۳- شرکت ملی نفت ایران موظف است برای توسعه میدان‌های پارس جنوبی و سلمان تا سقف تولید اضافی یکصد و چهل میلیون متر مکعب گاز در روز و هشتاد هزار (۸۰,۰۰۰) بشکه نفت در روز از طریق بیع متقابل یا «فاینانس» اقدام کند.

بازپرداخت سرمایه‌گذاری مزبور از محل تولیدات «اضافی» همان طرح‌ها خواهد بود.

۴- به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود، مبلغ ششصد میلیون (۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار برای سرمایه‌گذاری در بخش تولید نفت از طریق انعقاد قراردادهای مالی بلندمدت و میان‌مدت «فاینانس»، از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استفاده نماید.

۵- جهت طرح‌های پتروشیمی، توسعه معادن و صنایع مس، تولید فلوآلیزها و فلزات آهنی و غیرآهنی و طرح‌های بخش صنعتی غیردولتی موضوع جداول (۴) و (۵) این قانون مبلغ دو میلیارد و پانصد میلیون (۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار شامل یک میلیارد و پانصد میلیون (۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار برای طرح‌های پتروشیمی از طریق انعقاد قراردادهای مالی بلندمدت و میان‌مدت «فاینانس» تأمین گردد. تا بیست درصد (۲۰٪) از منافع موضوع این جزء در اختیار بخش خصوصی قرار خواهد گرفت.

وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌تواند در صورت لزوم نسبت به تضمین بازپرداخت طرح‌های موضوع این جزء اقدام نماید و نظام بانکی مجاز به ایجاد تعهد برای تسهیل اجرای این طرح‌ها می‌باشد.

۶- مبلغ یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار جهت اجرای طرح‌های احداث راه و راه‌آهن، ماهواره و توسعه تلفن و تولید تجهیزات مخابراتی، کشاورزی، سیلو، آبرسانی و فاضلاب، احداث و تکمیل طرح‌های تأمین آب و شبکه‌های آبیاری و زهکشی، بنا

اولویت طرح‌های زیربخش کشاورزی از طریق انعقاد قراردادهای تأمین مالی بلندمدت و میان مدت «فاینانس» در چارچوب مقررات موضوع بند (م) تبصره (۲۲) قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، استفاده نماید.

ضمیمه ۳

بند ل تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۹

۱- در اجرای ماده (۸۵) قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به دولت اجازه داده می‌شود با رعایت موارد زیر نسبت به تأمین و تضمین منابع مالی خارجی به میزان سه میلیارد (۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) دلار اقدام نماید.

حداقل معادل یک میلیارد و پانصد میلیون (۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰) دلار از تسهیلات فوق برای طرح‌هایی که تمامی پرداخت‌های مربوط به آن‌ها اعم از بازپرداخت و هزینه‌های ذی‌ربط از محل صدور محصولات تولید همان طرح‌ها و پیش پرداخت از محل درآمدها یا سهمیه ارزی همان دستگاه انجام می‌گیرد، قابل تأمین و تضمین می‌باشد. دولت موظف است اجازه صدور محصولات تولیدی این طرح‌ها تا تسویه کامل کلیه تعهدات ناشی از سرمایه‌گذاری مربوط را تضمین نماید.

۱-۱- عملیات تأمین منابع ارزی کلیه قراردادها باید با هماهنگی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد. متن قراردادهای مالی و پولی طرح‌های فاینانس نیز باید به تأیید بانک مزبور برسد.

۱-۲- با توجه به جزء (۳) بند (ج) ماده (۸۵) قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به منظور رعایت صرفه و صلاح و منافع ملی کشور، تمامی عملیات طرح از آغاز تا بهره‌برداری باید با کنترل کمی و کیفی و کنترل قیمت و اخذ تضمین‌های لازم صورت پذیرد. وزیر ذی‌ربط مستقیماً مسئول اجرای این امر می‌باشد.

آیین‌نامه اجرایی و نظارتی توسط مؤسسه استاندارد و سازمان برنامه و بودجه تهیه و

به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

۱-۳- طرح‌های مصوب جهت استفاده از تسهیلات مالی (فاینانس) قابل تبدیل به بیع متقابل هستند.

۲- اجازه استفاده از باقی مانده تسهیلات به روش بیع متقابل تبصره‌های (۲۹) قوانین بودجه سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ با شرایط مصوب در سال ۱۳۷۹ به قوت خود باقی است.

۳- شرکت ملی نفت ایران مکلف است برای توسعه میادین گازی با اولویت میدان پارس جنوبی تا سقف صد و پنجاه میلیون (۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰) متر مکعب گاز طبیعی در روز اقدام نماید و بازپرداخت تعهدات ایجاد شده را از محل تولیدات همان میادین یا موارد مذکور در بند (الف) ماده (۱۲۰) قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران انجام دهد.